

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی

دانشگاه فردوسی مشهد

شماره مقاله: ۳۸۱

ژئوپولیتیک

(قسمت دوم)

اهمیت ژئوپولیتیکی شرق و شمال شرق ایران

Dr. M. H. Papoli Yazdi

*Ferdowsi University of Mashhad*

Geopolitics

(Part - two)

### **the Geopolitical Significance of the North and Northeastern Iran**

With the break - up of the former Soviet Union and the formation of the independent states in Central Asia and the developments in Afghanistan, along with the West's strategic positioning in the demise of the communist bloc, the writer (?) predicts that the same would befall China and the Turkish china/sinkiang will be formed as an independent state.

Upon the demise of the Eastern bloc in the Central Asia, an ideological vacuum prevails.

Diverse Islamic and secular formations attempt to fill this vacuum. Among them, the Wahabbis and the secular groups are the most active. The wahabbis are also active in the Eastern frontier where the Sunni Muslims reside. This paper studies the Iran's geopolitical significance, in connection with Central Asia, China, Afghanistan, Pakistan, the United States and Saudi Arabia. The writer predicts that if the Iranian government does not pay due attention to the geopolitical and strategic issues of the northern border there may arise grave problems there.

### مهمترین کانونهای شرق کشور

آنچه در توسعه شرق ایران و از جمله در تقسیم استان خراسان اهمیت فراملی دارد ایجاد یک سری کانونهای توسعه پر قدرت است که بتوانند در درجه اول دفاع از ارزشهای فرهنگ اسلامی را در مقابل تهاجم فرهنگی سامان یافته در شرق کشور و دفاع نظامی را عهده‌دار شوند و در صورت لزوم بتوانند سریعاً تهاجم را سازماندهی کنند، سپس خدمات دولتی را سامان بخشند. این کانونها در عین حال باید امکانات لازم جهت ارائه خدمات به حوزه نفوذ خود را داشته باشند و در عمل نقش کانون رشد و توسعه حوزه پیرامونی خود را ایفا کنند.

با توجه به وضعیت ژئوپولیتیکی و استراتژیکی شرق کشور و با توجه به امکانات بالقوه (طبیعی و نیروی انسانی) موجود، چهار کانون درجه یک که در حال حاضر نیز فعالترین کانونهای شرق کشور هستند، می‌بایست مورد توجه بیش از پیش و همه جانبه قرار گیرند. توسعه این کانونها با اهداف امنیت و دفاع ملی و منافع فراملی و توسعه منطقه‌ای باید بیش از پیش گسترش یابد. این کانونها که ما آنها را کانونهای درجه یک شرق کشور می‌نامیم از جنوب به شمال به شرح زیر هستند.

#### کانونهای درجه یک

۱- چابهار ۲- زاهدان ۳- بیرجند ۴- مشهد

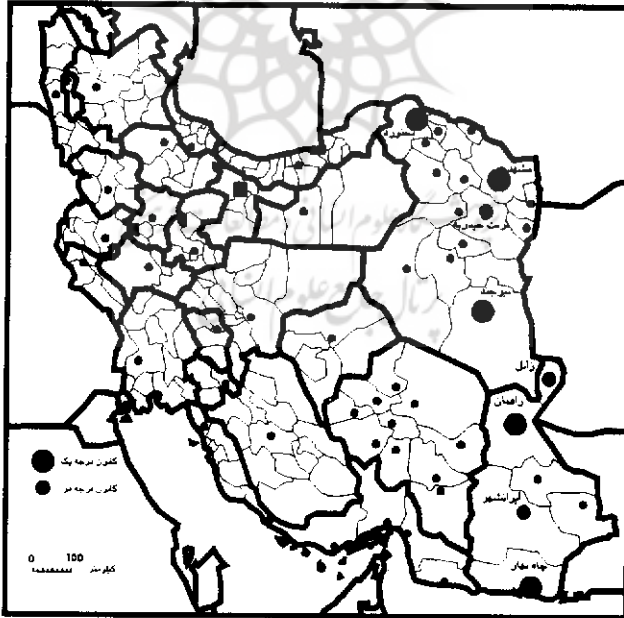
اگر در روی نقشه نگاه کنیم (نقشه شماره ۱) فواصل این شهرها از یکدیگر تقریباً با هم برابر است. (فاصله هر کدام از یکدیگر بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر است). در حال حاضر هر چهار مرکز دارای تأسیسات و زیرساختهای مهم نظامی و فرودگاهی هستند. مسلماً چابهار نقش ژئوپولیتیکی و نظامی مهم دریایی را به عهده دارد و علاوه بر اهمیتی که برای امنیت داخلی و تحرکات کشورهای همجوار دارد، منافع ما را در اقیانوس هند و دریای عمان و حتی خلیج فارس حفظ می‌کند.

زاهدان نقش استراتژیکی و ژئوپولیتیکی بسیار مهم ملی و فراملی دارد. از اواسط قرن گذشته انگلیسها به اهمیت سوق الجیشی این نقطه حساس پی می‌برند. به همین خاطر این نقطه را به عنوان ابتدای راه آهن هند (از سوی غرب به هند) قرار دادند<sup>۱</sup>. انگلیسها در طول جنگ اول و دوم در زاهدان نیروی نظامی نگهداری می‌کردند. فاصله زاهدان تا مشهد جزو اولین مناطقی است که توسط ارتش انگلیس نقشه برداری گردیده است. (نقشه <sup>۱</sup>—) (۲۵۳۴۴۰)

۱- در برخی نوشته‌ها دزداب، را انتهای راه آهن هند تلقی کرده‌اند. در صورتیکه اگر از غرب به شرق (از طرف انگلیس) به هند نگاه شود زاهدان نقطه شروع راه آهن هند (توجه شود پاکستان امروزی جزو سرزمین هندوستان بزرگ) است.

به علاوه زاهدان در حدفاصل سیستان و بلوچستان قرار دارد و نقش مهمی را ایفا می‌کند. نزدیکی بیش از حد زاهدان تا مرز ممکن است مشکلات دفاعی برای آن ایجاد کند ولی این مسأله نمی‌تواند ذره‌ای از موقعیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی زاهدان بکاهد.

شهر زابل در سیستان و ایرانشهر (که در قلب بلوچستان ایران واقع شده و درست در میان راه زاهدان و چابهار قرار دارد و امکانات بالقوه طبیعی آن از نظر توسعه نیز گسترده است) می‌تواند نقش کانونهای درجه ۲ را در استان سیستان و بلوچستان بازی کند. این مسأله به معنی انکار نقش مهم شهرهای مرزی سراوان و خاش نیست ولی آنها در ردیفهای بعدی قرار دارند. بنابراین اگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان را از نظر اهمیت استراتژیکی، ژئوپولیتیکی و فرهنگی درجه‌بندی کنیم، چابهار و زاهدان کانون درجه یک، زابل و ایرانشهر کانون درجه ۲ و سایر شهرها درجه ۳ تلقی خواهند شد. نظر به اینکه در این مقاله تکیه بیشتر به اهمیت ژئوپولیتیکی شمال شرق کشور یا استان خراسان است، به همین اشاره گذرا درباره استان سیستان و بلوچستان کفایت می‌شود، امید است که در فرصتی مناسب بتوانیم نقش این استان بسیار حساس را در امنیت ملی بیشتر مورد بررسی قرار دهیم. همانطوری که در



نقشه شماره ۱: کانونهای درجه یک و درجه ۲ شرق و شمال شرق کشور

سال ۱۳۶۸ هشدار دادیم و هابیت در این استان گسترده، فعال است. آنها که می‌خواهند فعالیت‌های تبلیغاتی خود را تا قلب آسیا و سین‌کیانگ پیش ببرند مسیرشان از پاکستان و بلوچستان و افغانستان و شرق ایران می‌گذرد.

### مهمترین کانونهای شرق ایران واقع در خراسان

می‌توان به ضرس قاطع و با توجه به تمام سوابق تاریخی و تحولات بین‌المللی ۱۵۰ سال اخیر با توجه به اهمیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی و امکانات بالقوه و بالفعل بیان داشت که در خراسان ۲ شهر اصلی که می‌توانند از منافع ملی و فراملی ما نقش اول را ایفا کنند عبارتند از مشهد مقدس و بیرجند و در درجه بعدی ۲ شهر تربت حیدریه و بجنورد قرار می‌گیرند.

#### مشهد مقدس

شهر مشهد با ۱۸۸۷۴۰۵ نفر جمعیت در سال ۱۳۷۵ بزرگترین کانون جمعیتی شرق و شمال شرق کشور است. اهمیت مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اداری و ... این شهر بر همگان روشن است و رقیبی برای آن متصور نیست. مشهد به عنوان یک مرکز پر قدرت، امکانات بالقوه فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی و نظامی لازم را برای به عهده گرفتن نقش یک کانون مدیریتی و هدایتی و پشتیبانی درجه یک برای قسمت مهمی از شرق ایران دارد. موقعیت مذهبی این شهر مقدس خود یک عامل اساسی دفاعی آن است. هرگونه تجاوز به حریم آن می‌تواند با واکنشهای مسلمانان بویژه شیعیان جهان روبرو شود.

اما با توجه به باز شدن مرزها و تحولات آسیای مرکزی می‌بایست به تقویت امکانات فعلی این شهر پرداخت. باید به امکانات بالقوه دفاعی این شهر که تابحال برای دفاع از مسائل داخلی و دفاع محدود از مرزهای شرق و شمال شرق طراحی شده است افزود.

با باز شدن مرزهای آسیای مرکزی و با احتمال نه چندان بعید فروپاشی چین و ایجاد کشور ترکستان شرقی یا اوغورستان، مشهد تبدیل به بزرگترین کانون شیعه‌ای خواهد شد (و در حال حاضر نیز هست) که مسافری که از شرق به غرب حرکت می‌کند (از چین به ایران) پس از طی ۳۵۰۰ کیلومتر از میان مسلمانان سنی مذهب به آن وارد می‌گردد. در شرایط فعلی سیاستهای تهاجمی آمریکا و غرب در آسیا، باعث دامن زدن به تعصبات کورکورانه گروههای افراطی ضد شیعه در افغانستان و تا اندازه‌ای در آسیای مرکزی شده است.

مشهد فقط یک شهر شرق ایران نیست. مشهد بزرگترین شهر شیعه‌نشین ساحلی اقیانوس مسلمانان سنی مذهب چین و آسیای مرکزی و افغانستان است. مشهد می‌بایست سامان دهنده و هدایتگر فعالیت‌های فرهنگی برای منطقه‌ای با بیش از ۶/۵ میلیون کیلومتر مربع و با جمعیتی بیش از ۶۵

میلیون نفر باشد. باید به این شهر با دید مرکز بزرگ اسلامی و تشیع از شرق تا غرب و شمال تا جنوب غرب آسیا اندیشید. این شهر که طی ۱۰۰ سال به دلیل گسترش تصرفات روسیه و سپس شوروی در آسیای مرکزی به صورت بن‌بست در آمده بود امروزه در حال تبدیل شدن به یکی از مهمترین چهارراههای جهان اسلام است.

در حال حاضر به علت وسعت زیاد استان خراسان وظایف مدیران مستقر در مشهد به حدی زیاد است که فرصت اندیشیدن به مسائل بین‌المللی را ندارند. اداره یک استان پهناور با ۲۴ شهرستان، ۷۷ بخش، ۲۲۵ دهستان با فاصله‌های زیاد بسیار مشکل است. این مشکلات گاه به یک مدیرکل اجازه نمی‌دهد که یک بار در سال به مراکز شهرستانهای مربوطه سر بزند و از نزدیک مسائل و مشکلات آنها را حل کند چه برسد به آنکه بتواند بطور جدی به مسائل برون مرزی بپردازد.

لذا باید بار مسؤلیت داخلی مدیران مستقر در مشهد را کاست و در شرح وظایف آنها توجه بیشتر به مسائل برون مرزی را گنجانند. هیچ استانداری و حتی هیچ وزیری (جز وزیر امور خارجه) در ایران باندازه استاندار خراسان مجبور به استقبال از مقامات رسمی خارجی و داخلی در فرودگاه نیست. مشهد دومین کانون سیاسی بین‌المللی کشور بعد از تهران است. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ مشهد بعد از تهران بیش از همه مراکز استانها استقبال رسمی در فرودگاه خود داشته است. یک استاندار چگونه می‌تواند این قدر درگیر مسائل بین‌المللی باشد و به مسائل بزرگترین استان کشور نیز بپردازد.

باید توجه داشت کاهش حوزه و فضای مدیریتی شهر مشهد اگر توأم با افزایش نقش این شهر در سطح بین‌المللی نباشد، کاهش قدرت این شهر را به همراه خواهد داشت. کاهش قدرت این شهر یعنی سست کردن مهمترین سنگر شرق و شمال شرق کشور و بزرگترین کانون تشیع در کل منطقه و ضربه زدن به منافع ملی و فراملی جمهوری اسلامی ایران. پس اگر استان خراسان تقسیم می‌گردد نه تنها نباید وضعی پیش بیاید که وزنه و نقشهای مشهد کاهش یابد بلکه می‌بایست نقش مشهد بویژه در زمینه‌های بین‌المللی، فرهنگی و علمی و اقتصادی افزایش یابد.

یک طرح تحقیقاتی جامع می‌تواند اهداف و حوزه فعالیت و نحوه انجام فعالیتهای مذکور را تعیین نماید.

نظر به اینکه نقش مشهد به عنوان بزرگترین کانون شمال شرق و شرق کشور بر هیچکس پوشیده نیست در این مختصر بیشتر به آن نمی‌پردازیم. اما همین جا اعلام می‌دارد که اگر نقش مشهد به عنوان کانون اول شرق و شمال شرق کشور برای امور داخلی روشن است برای امور و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برهمگان و حتی برخی مسوولان روشن نیست. دلیل این حرف هم آن است که هنوز جای

بسیاری از تأسیسات بین‌المللی، فرهنگی، علمی، و اقتصادی که می‌بایست مشهد را تا حد شهری که می‌خواهد نقش فراملی بازی کند و ناظر امور منطقه‌ای به وسعت ۶/۵ میلیون کیلومتر مربع و بیش از ۶۵ میلیون جمعیت باشد ارتقاء دهد، خالی است.

پس بر دولت، مجلس شورای اسلامی، نیروهای مسلح و ارگانهای ذیربط فرض است که در این زمینه طرحهای لازم را پیش‌بینی نمایند. لازم است سازمان برنامه خراسان در طرح ایران ۱۴۰۰ به نقش فراملی مشهد توجه بایسته و شایسته به عمل آورد.

#### بیرجند

از دید کارشناسان بین‌المللی و داخلی، بیرجند دومین کانون بزرگ شرق کشور در استان خراسان فعلی است. بیرجند در طول تاریخ خود در مبادلات سیاسی - نظامی ابرقدرتها (قبل از جنگ بین‌المللی اول انگلیس و روسیه) برای حفظ هندوستان نقش استراتژیکی و ژئوپولیتیکی و نظامی و اقتصادی بزرگی در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی (ایران و هندوستان آن زمان و افغانستان) بازی کرده است. نقشی که مسلماً جز مشهد هیچ شهر خراسان به عهده نداشته است. در مواردی بیرجند حتی نقش مهمتری از مشهد برای انگلیسها داشته است. در قرارداد ۱۹۰۷ انگلیسها توافق کردند که مشهد در حوزه نفوذ روس باشد ولی بیرجند را که برای آنها در حکم دروازه هند بود از آن خود نگه داشتند. نقش تاریخی بیرجند و اهمیت جغرافیایی و استراتژیکی و ویژگیهای دفاعی که این شهر در خود دارد باعث شده که کارشناسان مسائل بین‌المللی نقش ویژه‌ای را در مواقع بحرانهای منطقه‌ای برای این شهر قائل شوند.

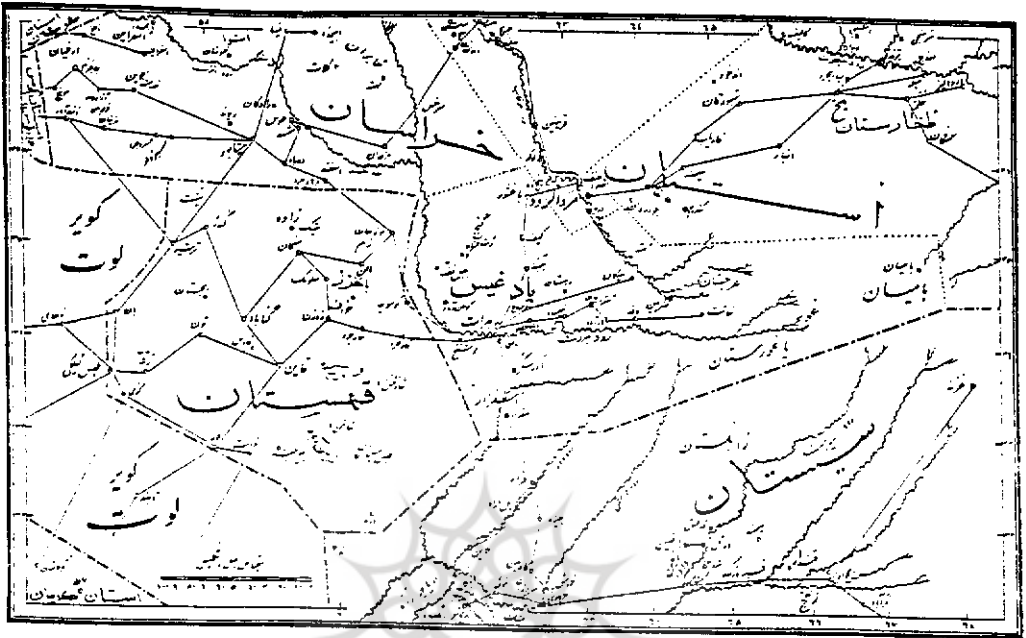
به دلیل تحولات اخیر منطقه‌ای و تحرکاتی که در کشورهای پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی در جریان است روز به روز به اهمیت استراتژیکی و نقشهای فراملی بیرجند افزوده خواهد شد. بیرجند یکی از کانونهای اصلی است که به دلیل موقعیت استراتژیکی خود در آینده لاجرم نقش مهمتری را در امنیت ملی و منافع فراملی ما در کل شرق کشور عهده‌دار خواهد گردید. هرگونه عدم توجه به دومین کانون شرق خراسان و یکی از چهار کانون اصلی شرق ایران امنیت ملی و فراملی کشور را دچار مخاطره می‌نماید. خوشبختانه در حال حاضر بیرجند از نظر امکانات بالقوه (طبیعی و انسانی) در کل شهرستانهای مرزی شرق کشور در ردیف دوم (پس از مشهد) واقع شده است. (امکانات طبیعی بیرجند از نظر آب و خاک و حتی در برخی زمینه‌های انسانی از زاهدان بیشتر است). این شهر حداقل به مدت یک قرن به عنوان مرکز قهستان و سیستان (شامل شهرستانهای فعلی قاینات، بیرجند، نهبندان و زابل) در صحنه بین‌المللی فعال بوده است. لازم است در اینجا مختصری درباره اهمیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی بیرجند بحث شود.

### موقعیت استراتژیکی بیرجند

رشد و توسعه بیرجند علاوه بر وجود امکانات طبیعی آن (نسبت به شهرهای مرزی شرق کشور) مدیون موقعیت استراتژیکی بی‌مانند آن است. شهر بیرجند در طول یک قرن به عنوان بزرگترین شهر ایران واقع در مرز هندوستان انگلستان (در دوره استعمار انگلیس بر هند) ایفای نقش کرده است. در طول چندین دهه بیرجند شاهد حضور نمایندگان سیاسی کشورهای انگلیس و روس بوده است. در زمان جنگ اول جاسوسان آلمانی در منطقه بیرجند فعال بوده‌اند. علاوه بر حضور نمایندگان سیاسی قدرتهای بزرگ قبل از جنگ بین‌المللی دوم (یعنی روس و انگلیس) نمایندگان نظامی و اقتصادی این کشورها نیز (بانک شاهنشاهی) در بیرجند فعال بوده‌اند. بنابراین بیرجند مدتها علاوه بر اجرای نقش ملی خود و مرکزیت اداری یک ناحیه پهناور، نقشهای متعدد بین‌المللی را نیز عهده‌دار بوده است.

در طول چندین قرن بیرجند مرکز استان یا ولایت قهستان بوده است<sup>۲</sup> از اواسط قرن ۱۳ هـ. تا سال ۱۳۱۶ بیرجند نقش مرکزیت اداری منطقه‌ای وسیعتر از قهستان یعنی سیستان و قهستان شامل شهرستانهای زابل، نهبندان، بیرجند و قاین فعلی را به عهده داشته است و اداره امور مرز افغانستان را تا محدوده فعلی شهرستان خواف حل و فصل می‌کرده است. امرا و حکام بیرجند نقش بسیار مهم و نسبتاً مثبتی را در تعیین خطوط مرزی ایران و افغانستان به حکمیت انگلیس عهده‌دار بوده‌اند. در طول چندین دهه بیرجند نقش بزرگترین دروازه اقتصادی شرق ایران با هندوستان و یا انگلستان آن زمان را عهده‌دار بوده است. در همین راستا در طول بیش از یک قرن بیرجند دومین کانون (پس از مشهد) بلامنازع سیاسی، نظامی، فرهنگی اقتصادی و اداری کل شهرستانهای مرزی شرق کشور از چابهار تا سرخس بوده است. چرا؟ برخی تجمع این همه نقش را در بیرجند مرهون وجود خاندان امیریه (علم) می‌دانند. این امر از نظر کارشناسی اشتباه است. وجود خود آن خاندان هم در آن منطقه مرهون موقعیت استراتژیکی بی‌مانند بیرجند است. بیرجند در طول بیش از یک قرن از حدود ۱۸۳۰ و بویژه پس از جنگ دوم هرات ۱۸۵۷ م - ۱۲۷۳ ق (طبق ماده ۶ قرارداد صلح) تا سال ۱۹۴۵ نقش مهمی را در امنیت ملی و فراملی ایران و پاسداری و حراست از مرزهای شرقی ایران ایفا کرده است. در شرایط فعلی که تحركات منفی و مخالف امنیت ملی و فراملی ما در کشورهای شرق و شمال شرق فعال شده است باید بر نقش منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بیرجند افزوده شود.

۲- گی‌لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ



نقشه شماره ۲: موقعیت قهستان در سرزمینهای شرق اسلامی

از نظر جغرافیایی و فاصله‌ها، بیرجند موقعیت ممتازی را دارد.

۱- شهر بیرجند در نیمه راه زاهدان به مشهد واقع شده است «فاصله زمینی آن تا مشهد و زاهدان به ترتیب ۴۸۶ و ۴۵۸ کیلومتر است»<sup>۳</sup>. فاصله بیرجند به خط مستقیم هوایی از زاهدان حدود ۴۰۰ و از مشهد حدود ۳۷۵ کیلومتر است.

۲- فاصله این شهر تا مرز افغانستان در حد مطلوب دفاعی یعنی به خط مستقیم حدود ۱۲۰ کیلومتر است. (در این فاصله هیچ شهر دیگری وجود ندارد)

۳- بیرجند دقیقاً در نیمه راه مرز ایران و افغانستان قرار دارد. اگر خطی از بیرجند به مرز افغانستان عمود شود این خط مرز افغانستان را تقریباً نصف می‌کند. (طول مرز ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر است).

۳- محمدعلی احمدیان، جغرافیای شهرستان بیرجند، آستان قدس رضوی ۱۳۷۴، ص ۲۱.



۴- اگر از بیرجند خط مستقیمی به مرز افغانستان وصل کنیم و این خط را به داخل افغانستان ادامه دهیم تقریباً افغانستان به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. این خط اگر به داخل پاکستان ادامه یابد از حدود ۵۰ کیلومتری جنوب شهرهای راولپندی و اسلام‌آباد می‌گذرد و مستقیماً به جامو در کشمیر وصل می‌گردد.

۵- بیرجند بیش از هر شهر دیگر ایران می‌تواند اشراف کامل به قندهار پایتخت زمستانی و عملاً دومین شهر افغانستان داشته باشد. (توجه شود که قندهار بیش از هر شهر دیگری به طالبان گرایش نشان داده و ملا عمر رئیس طالبان مدت‌ها در قندهار مستقر بوده است).

۶- بیرجند اکنون مهم‌ترین شهر جنوب خراسان است که به کویت مرکز بلوچستان پاکستان و یکی از گرهای عمده راه‌های شوسه و راه آهن پاکستان شرقی نزدیک است.

در گذشته روابط نزدیک بین بلوچستان پاکستان و بیرجند برقرار بوده و از جمله ازدواج‌های سیاسی بین دو خاندان حکومتی منطقه صورت گرفته است. میر علم خان، خزیمه سوم (حشمت‌الملک) (فوت ۱۸۹۱م - ۱۳۰۹ق) و سرنوروزخان خاراچی که امیر منطقه کلات پاکستان فعلی به مرکزیت کویت بود هر دو به دامادی یک خانواده درآمدند. از این لحاظ میر علم خان توجه بخصوصی به این منطقه همجوار خود داشت.

۷- اگر به نقشه ایران توجه شود دو شهر بیرجند و اصفهان واقع در دو طرف کویر مرکزی ایران درست در یک عرض جغرافیایی قرار دارند. در حقیقت اگر خط مستقیمی از اصفهان به مرز افغانستان عمود شود تنها شهری که سر راه واقع می‌شود شهر بیرجند است. اگر هواپیمایی از شرق وارد کشور شود و از نزدیکترین راه به سوی اصفهان حرکت کند هیچ شهری جز بیرجند در سر راه آن نیست.

۸- فاصله هوایی مستقیم تهران - بیرجند ۷۵۰ کیلومتر است. اگر از شهرهای محدوده تهران (گرمسار) بگذریم هیچ شهر مهمی که بیش از ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد و یا دارای فرودگاه و پادگان نظامی باشد در سر راه مستقیم تهران - بیرجند وجود ندارد.

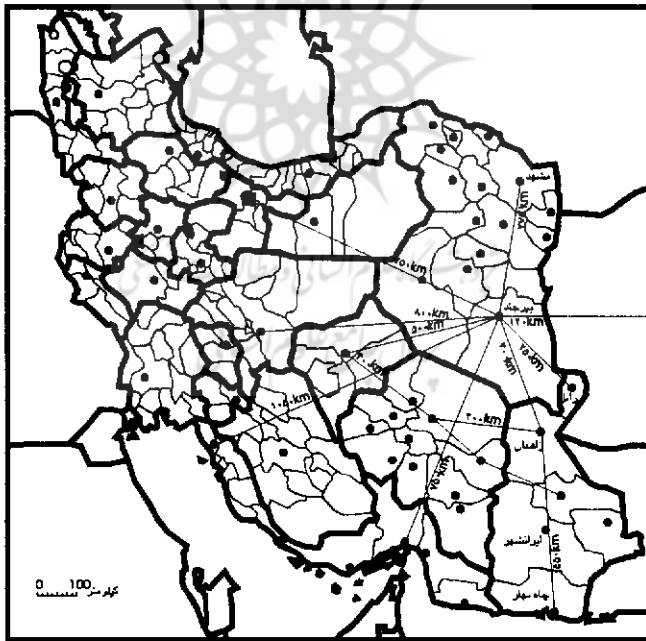
۹- اگر خط مستقیمی را بین هرات و بندربوشهر ۲ شهری که از نظر سیاسی در تاریخ ما همبستگی کامل دارند (محاصره هرات توسط ارتش ایران و حمله انگلیس به بوشهر برای رفع محاصره هرات) وصل کنیم، بیرجند دقیقاً در روی این خط قرار می‌گیرد. در طول ۱۰۵۰ کیلومتر فاصله این دو شهر هیچ شهری با جمعیت بیش از ۲۰۰۰۰ نفر واقع نیست. (البته شهرهای شیراز و یزد با فاصله حدود ۱۲۰ کیلومتر از این خط واقع می‌شوند)

۱۰- اگر مثلث زاهدان - کرمان - بیرجند را رسم کنیم بیرجند در رأس شمالی این مثلث قرار دارد.

بدین طریق بیرجند اشراف کامل به یک منطقه بیابانی وسیعی دارد که کویرهای حاشیه شرقی آن مرزهای افغانستان است و کویرهای حاشیه غربی آن از منابع مهم استراتژیکی مثل معادن آهن و مس بافق و زرنند برخوردار است و راه آهن بافق به کرمان در ضلع غربی آن واقع است. در حقیقت بیرجند نه تنها می‌بایست امنیت مرزهای شرقی را حفظ کند بلکه حراست از دامنه شرقی راه آهن استراتژیکی کرمان - بافق را نیز عهده‌دار است.

۱۱- اگر مثلی بازوایای بیرجند - کرمان، کرمان - یزد، و یزد - بیرجند ترسیم کنیم در این فضای وسیع که از دامنه غربی آن راه استراتژیکی کرمان به خراسان (راه دیهوک) و بخشی از راه یزد به طبس می‌گذرد، هیچ شهری که حراست منطقه را در خراسان به عهده بگیرد جز بیرجند وجود ندارد.

۱۲- از همه مهمتر آنکه بیرجند همیشه پشتیبان و محافظ سیستان بوده است. و امروز با تحرکات ضد تشیع که در کشورهای شرقی ما می‌گذرد بیرجند باید بتواند حراست و محافظت و پشتیبانی نظامی - استراتژیکی و لجستیکی سیستان را به عهده بگیرد.



نقشه شماره ۳: فاصله بیرجند تا برخی شهرها و کانونهای استراتژیکی مهم

در قرن گذشته اگر دخالت بیرجند نبود سیستان که توسط افغانها تصرف شده بود بالکل از ایران جدا می‌شد. در سال ۱۲۴۴ هجری شمسی مطابق با ۱۸۶۵ میلادی ابراهیم خان از سرداران بلوچ سیستان سرزمینهای تحت فرمانروایی خود را در بخش خاوری و شمال استان هیرمند به تابعیت امیرشیرعلی خان امیر افغانستان درآورد. دولت ایران به دولت بریتانیا شکایت برد. لرد راسل وزیر امور خارجه بریتانیا که عملاً با این کار موافق بود در پاسخ شکایت ایران نوشت بریتانیا به این مسأله علاقه‌ای ندارد «دو طرف می‌توانند یا توسل به زور اسلحه حقوق خود را در سیستان ترمیم کنند».<sup>۴</sup>

با دریافت این نامه، امیر علم خان حشمت الملک به بخش اشغال شده سیستان از سوی افغانان در خاور دلتای هیرمند حمله برد و آن سرزمینها را همان سال به ایران بازگرداند.<sup>۵</sup> سیستان از آن تاریخ بطور رسمی در حکومت مرزداري نیمه مستقل خزیمه ادغام شد و به دلیل حساسیت استراتژیک ویژه‌ای که پیدا کرد، در مقام «ولیعهدنشین» آن حکومت مرزداري، سیستم حکومتی محلی نیمه مستقلی را در سازمان حکومتی مرزداري خود مختار خزیمه به مرکزیت بیرجند به وجود آورد. پیش از آن دوران، حکومت مرزداري سیستان در دست خانواده کیانی بود و آنان خود را از بازماندگان کیانیان افسانه‌ای می‌شماردند.

امیر علم خان خزیمه پسر بزرگ خود، امیرعلی اکبرخان حسام‌الدوله دوم را به عنوان «نایب الحکومه» روانه سیستان کرد و او تا آخر عمر در این مقام و در مقام «امیرسیستان» باقی ماند. وی در اواخر زندگی به بیرجند، مرکز حکومت خودمختار مرزداري خزیمه در قاینات بازگشت و پسر جوان خود، امیر معصوم خان حسام‌الدوله سوم را مأمور سرپرستی امور سیستان کرد. این وضع تا سال ۱۳۱۶ خود ادامه یافت. در آن سال امیر معصوم خان خزیمه از امیری قاینات و سیستان استعفا داد و به حکومت مرزداري نیمه مستقل خزیمه در قاینات و سیستان پایان داد. در آن تاریخ بود که سیستان و بلوچستان در هم ادغام و به گونه‌ای جداگانه‌ای در نظام سیاسی نو ایران درآمد.

درست است که از سال ۱۳۱۶ سیستان به مرکزیت زابل جزئی از استان سیستان و بلوچستان است ولی رابطه فرهنگی و اداری چندین قرنه، سیستان با قهستان روابط مذهبی و موقعیت استراتژیک سیستان مارا وامی‌دارد که همیشه بیرجند را به عنوان یک مرکز پر قدرت پشتیبان سیستان تلقی کنیم. اختلافات مرزی ما در منطقه سیستان با افغانستان و بویژه مسأله آب هیرمند که هرگز بطور قانونی و به

۴- رک؛ سرپرستی سایکس، تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۲۰.

۵- پیروز مجتهدزاده، مرزهای شرقی، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۷۶، ص ۴۵۵-۴۸۲.

صورت بادوام حل نشده است بر حساسیت منطقه می افزاید. لذا بیرجند به عنوان پرقدرتترین کانون جمعیتی شیعه نشین نزدیک به سیستان می تواند و باید از این منطقه حساس دفاع کند.

۱۳- شهر بیرجند با اکثریت مطلق جمعیت شیعه خود در منطقه سنی نشین شرق کشور قرار دارد و جمعیت دهستانهای شرقی این شهرستان نیز از برادران اهل تسنن هستند، لذا این شهر می تواند به عنوان یک کانون فرهنگی بزرگ شیعه در یک منطقه سنی نشین و در عین حال یک کانون فرهنگی برادران اهل تسنن ایران عمل کند. در حقیقت این شهر می تواند کانون منطقه‌ای باشد که وحدت و وفاق اسلامی در آن تجلی کند. لازم است این شهر ساماندهی برادران اهل تسنن را عهده‌دار شود تا در مقابل نفوذ وهابیت ایستادگی نمایند. رسالت فرهنگی بیرجند برای تشیع و بخصوص برای برادران اهل تسنن در دفاع از حقانیت اسلام در مقابل تحریکات وهابیت و دفاع از حاکمیت ایران اسلامی، کاری بسیار سنگین و خطیر است. حوزه علمیه بیرجند باید توسعه یابد و تقویت گردد و بیرجند باید به صورت مرکزی برای ایجاد وفاق اسلامی برای اهل تسنن و تشیع درآید.

۱۴- باید بیرجند به صورت یک کانون اصلی برای جلوگیری از فعالیتهای مخرب فراملی علیه حاکمیت ملی و منافع فراملی درآید و این شهر مهمترین شهر شرق کشور پس از مشهد است که موقعیت استراتژیکی آن این نقش را برای آن تحمیل می کند. بیرجند یک کانون اصلی دفاع از امنیت ملی ما در حفظ و حراست مرزهای شرقی و بیابانهای وسیع بین زاهدان - کرمان، بیرجند - بافق و یزد است.

### موقعیت دفاعی بیرجند

شهر بیرجند در ارتفاع ۱۴۸۰ متری از سطح دریا قرار دارد. در صورتی که خط مرزی در ارتفاع حدود ۷۰۰ متر واقع شده است. شهر از سه طرف در کوهها محاصره شده است. از طرف شرق در فاصله ۱۲۰ کیلومتری مرز افغانستان تا شهر ارتفاعات شمالی جنوبی مؤمن آباد (در میان) با قله ۲۷۸۷ چون دیواری بیرجند را در مقابل تهاجمات شرق محافظت می کند. اختلاف ارتفاع خط مرزی تا شهر بیرجند (بیش از ۷۰۰ متر) و وجود کوهها و تپه‌های قابل دفاع میان راه، موقعیت دفاعی ممتازی را در مقابل تهاجمات نظامی از سوی شرق ایجاد کرده است.

کوههای باقران با قله ۲۵۹۵ متر و با جهت شمال غربی و جنوب شرقی در ۸ کیلومتری جنوب شهر واقع است و شهر را در مقابل تجاوزات نظامی از طرف جنوب محافظت می کند. در شمال کوههای شاه ناصر با ارتفاع بیش از ۲۳۰۰ متر خط دفاعی مناسبی را به وجود آورده است. از طرف شرق شهر بیرجند به کویر لوت مرتبط می گردد. در حقیقت کوهها از سه سو که احتمال خطر نظامی دارد شهر را دربرگرفته است و خطوط دفاعی مناسبی را ایجاد کرده است.

ارتفاع نسبتاً زیاد شهر از سطح دریا، وجود منابع نسبتاً مهم آب (نسبت به منطقه بیابانی و کویری جنوب خراسان) آب و هوای ملایمی را نسبت به بیابانهای وسیع جنوب خراسان برای شهر به ارمغان آورده است.

### نقش استراتژیکی بیرجند در دو جنگ بین‌المللی اول و دوم

همان‌طور که گفته شد موقعیت استراتژیکی و تدافعی این شهر نظر انگلیسها را به خود جلب کرد. از اواسط قرن ۱۹ بخصوص از ۱۸۵۷ به بعد کارشناسان نظامی انگلیس، بیرجند و هرات را به عنوان دروازه هندوستان تلقی کردند. آنها به دولت متبوع خود پیشنهاد کردند در قراردادهایی که بریتانیا با روسیه و با ایران و یا هر کشور ثالث دیگری منعقد می‌کند نباید بیرجند را از دست بدهد. بیرجند باید در حوزه نفوذ بریتانیا و در فضای امنیتی هندوستان باشد. این نظر کارشناسی توسط سرهنگ هنگر فورد هلدیچ، سرهنگ مک گرگر، ژنرال فردریک گلداسمیت، سرهنگ بیت، (از ژوئیه ۱۸۹۳ کفیل کنسولگری مشهد شد و از سپتامبر ۱۸۹۶ تا دهم فوریه ۱۸۹۷ سرکنسول مشهد بود). لرد کرزن نایب‌السلطنه انگلیس در هند تأیید شده بود. برای دستیابی به اهمیت استراتژیکی ایران در دهه آخر قرن ۱۹ مطالعات جامع ایران و افغانستان زیر نظر سر فرماندهی ارتش انگلیس در هند و عملاً زیر نظر ژنرال استاف انجام شد. مطالعات ایران در چهار جلد محرمانه و در حدود ۳۰۰۰ صفحه مطلب در نسخه‌های محدود (حدود ۱۰۰ جلد) چاپ گردید.<sup>۶</sup> همراه گزارشات محرمانه چندین گزارش فوق محرمانه وجود داشت که هرگز چاپ نشد. گزارشات مربوط به خراسان استرآباد، شاهرود، بسطام جلد ۱ در ۷۵۸ صفحه در سال ۱۹۰۱ به انجام رسید. در سال ۱۹۱۰ تعداد بسیار محدود (حدود ۱۰۰ نسخه) به چاپ رسید و در سال ۱۹۱۲ بازنگری شد.

در این مطالعات، گزارشات منطقه شرق میانه ایران به مرکزیت بیرجند شامل منطقه‌ای که از طرف جنوب به زاهدان فعلی (دزداب) از شرق به مرز فعلی افغانستان و از شمال به خطی که بعداً در سال ۱۹۰۷ خط شمالی منطقه نفوذ انگلیس (یعنی خط بیرجند گزیک) را تشکیل می‌دهد و از غرب به کویر لوت (نقشه شماره ۵ و ۶) محدود است، فوق محرمانه و ویژه امور نظامی تلقی گردید و هرگز به چاپ نرسید. این امر بیانگر حساسیت منطقه تحت نفوذ بیرجند (یا شرق میانه ایران) برای مسائل استراتژیکی و نظامی و حفاظت از هند انگلیس است.

مطالعات دو جانبه روس و انگلیس و مطالعات آلمانها نظریات کارشناسان سیاسی - نظامی

انگلیس را تأیید کرد. این نظرات منجر به این گردید که روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷ ایران را به سه منطقه تقسیم کنند:

۱- منطقه شمال کشور تحت نفوذ روس، منطقه جنوب و جنوب شرقی کشور تحت نفوذ انگلیس و منطقه میانی بیطرف.

ژنرال سرپرسی سایکس (او علاوه بر مشاغل متعددش در ایران مثل ریاست پلیس جنوب در سال ۱۸۹۸ مأمور افتتاح کنسولگری بریتانیا در سیستان به مرکزیت بیرجند شد) می‌نویسد: خط منطقه روس‌ها از قصر شیرین شروع شده پس از عبور از اصفهان، یزد و خاف (خواف) در منطقه‌ای که مرز ایران و افغانستان و روسیه (ذوالفقار) یکدیگر را قطع می‌کنند خاتمه می‌یابد.

روسها نیز از اهمیت بیرجند غافل نبودند. در حدود ۵۹ - ۱۸۵۸، ژانیتف را زیر نظر خانیکف برای نقشه‌برداری به بیرجند فرستادند، او سعی کرد وضعیت توپوگرافی بین بیرجند و طبس را با نقشه‌برداری مشخص کند. در همین سالها نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف منطقه را مورد مطالعه قرار داد.<sup>۷</sup>

روسها در اواخر قرن ۱۹ میلادی حدود ۱۸۸۵ سیواستروف مأمور قنصلگری روس را با هدایایی از طرف تزار روسیه شامل چند عدد سماور نقره نفیس برای امیر علم خان خزیمه و برادر او روانه بیرجند کردند. خط منطقه انگلیس‌ها از مرز افغان شروع شده پس از عبور از قازیک (گزیبک)، بیرجند کرمان به بندرعباس منتهی می‌شود.<sup>۸</sup> (نقشه شماره ۴)<sup>۹</sup> کلیه نظریات کارشناسی و مطالعات نشان می‌داد که انگلیسها باید برای حفظ هندوستان بیرجند را در مقابل روسها حفظ کنند. آنها در سال ۱۹۰۷ حاضر شدند مشهد و تربت حیدریه را در منطقه تحت نفوذ روس و گناباد را جزو منطقه بیطرف قبول کند ولی بیرجند را برای خود نگه داشتند.

۷- به سفرنامه خانیکوف گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه دکتر افسدس بیغامی، ابوالقاسم بیگناه، چاپ آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ مراجعه شود.

۸- ژنرال سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیدانی، جلد دوم، ص ۵۸۲

۹- نقشه از کتاب:



حضور نمایندگان سیاسی، نظامی و عوامل اقتصادی (بانک شاهنشاهی) خارجی در بیرجند بیانگر اهمیت سوق‌الجیشی این نقطه حساس از میهن ماست.

چون مسائل تاریخی و جغرافیای تاریخی و اهمیت بیرجند در کتابها و تحقیقات مستقل آمده است<sup>۱۳</sup>، ما در اینجا فقط بطور مختصر چند صفحه‌ای را به عنوان شاهد ذکر می‌کنیم. آقای اف هیل انگلیسی که مدت ۶ سال از ۱۹۱۱ تا اواخر ۱۹۱۶ در بیرجند مسوول بانک شاهنشاهی بوده است، نامه‌هایی را به یکی از دوستان خود در لندن نوشته است (این نامه‌ها توسط آقای دکتر محمدحسن گنجی ترجمه شده و در آستان قدس رضوی زیر چاپ است).

در نامه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۳ می‌نویسد:

در قسمت شرقی ایران ولایتی هست به نام قاینات که مرکز آن شهر بیرجند است. از بیرجند اگر مسافری به سمت شمال حرکت کند بعد از سه چهار روز به مرز این ولایت خواهد رسید و اگر در سمت طلوع آفتاب پیش رود بعد از ۶ روز به سرحد افغانستان خواهد رسید، اگر به جنوب برود بعد از ۶ روز به سیستان برخورد خورد و اگر در جهت غرب غروب آفتاب پیش برود به حواشی صحرای کبیر جنوب شرقی یا سرزمینی خواهد رسید که می‌شود گفت صاحبی ندارد.

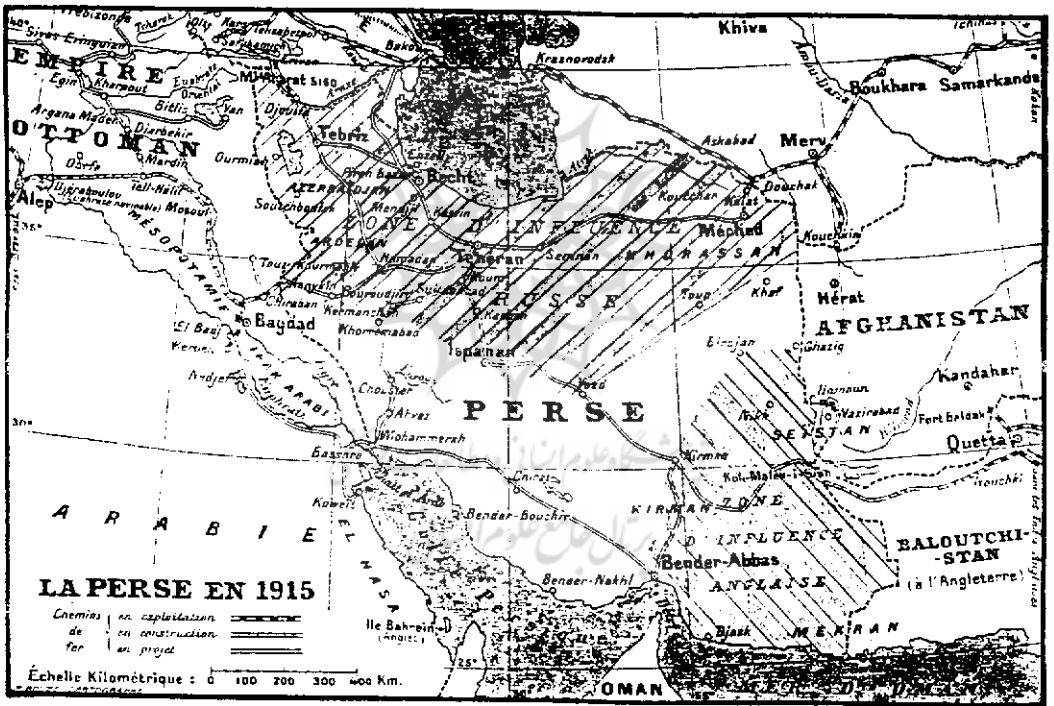
جمعیت این ولایت از ۲۰۰ هزار نفر بیشتر نیست که از این تعداد ۱۵ هزار نفر در شهر بیرجند سکونت دارند. در نامه‌ای که همین شخص در ۳۰ ژوئن ۱۹۱۶ به لندن می‌فرستد وضع یک میهمانی رسمی را که در مقر حکومتی امیر قائنات در بیرجند داده شده تشریح می‌کند. در این مجلس نماینده وزارت امور خارجه ایران نایب کنسول انگلیس، نایب کنسول روس، حضور دارند و دسته موزیک سرود رسمی ایران، انگلیس و روس را می‌نوازد. این امر بیانگر آن است که بیرجند نه تنها مرکز ناحیه قهستان و جنوب خراسان و سیستان بوده بلکه مرکزی است که در خور حضور نمایندگان دو ابرقدرت زمان جنگ بین‌الملل اول است. در حقیقت موقعیت سوق‌الجیشی بیرجند و اهمیت این شهر در مجاورت مرزهای انگلیس آن زمان باعث می‌گردد که نمایندگان رسمی انگلیس و روس در محل حضور داشته باشند. بانک شاهنشاهی جریان پولی را در منطقه تأمین می‌کرد و مسائل مالی نیروهای انگلیس را پشتیبانی می‌نمود. در زمان جنگ آلمانها نیز به اهمیت منطقه شرق میانه ایران واقف بودند. به همین جهت کاپیتان ائیدرمایر (Capitan O, Nidermayer) مأمورانی را به منطقه قاینات اعزام کرد<sup>۱۴</sup>. این مأموران در مقابل

۱۳- حاج شیخ محمدحسین آینی، بهارستان، دانشگاه مشهد، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۱۴- رک به زرنال سایکس، همان مأخذ.

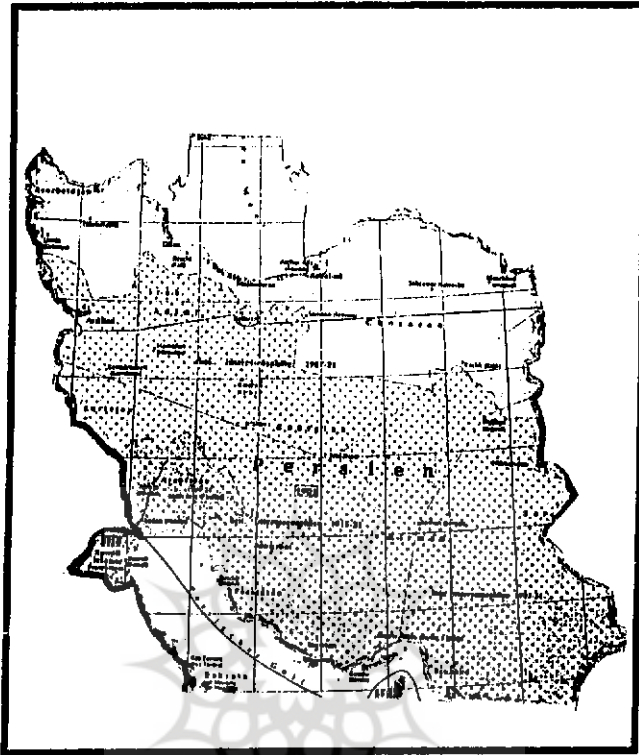


فراقهای روسی مستقر در قاین به کویر عقب‌نشینی نمودند و مقدار زیادی اسلحه و مهمات جنگی از خود بجای گذاشتند<sup>۱۵</sup> پس از جنگ اول روسها و انگلیسی‌ها بخشهایی از خاک ایران را در اشغال خود نگه داشتند. در شرق کشور روسها منطقه بیطرف حدود قاین را اشغال کردند و درست هم مرز بیرجند شدند. انگلیسها منطقه‌ای بین بیرجند، زابل، تا زاهدان و میرجاوه فعلی را در اشغال خود نگه داشتند. در حقیقت جنگ باعث شد که روسها به طرف بیرجند پیشروی کنند. به خطراتادن شرق ایران و طمع انگلیسها برای حفظ هند و نفت جنوب باعث شد که ایران را بین خود و روسها تقسیم نمایند و در عمل انگلیسها منطقه بیطرف را برای خود در نظر گرفتند و برای خوزستان حساب جداگانه‌ای بازکردند (نقشه شماره ۵).



نقشه شماره ۵: منطقه نفوذ روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷

15- Oliver Bast op. cit



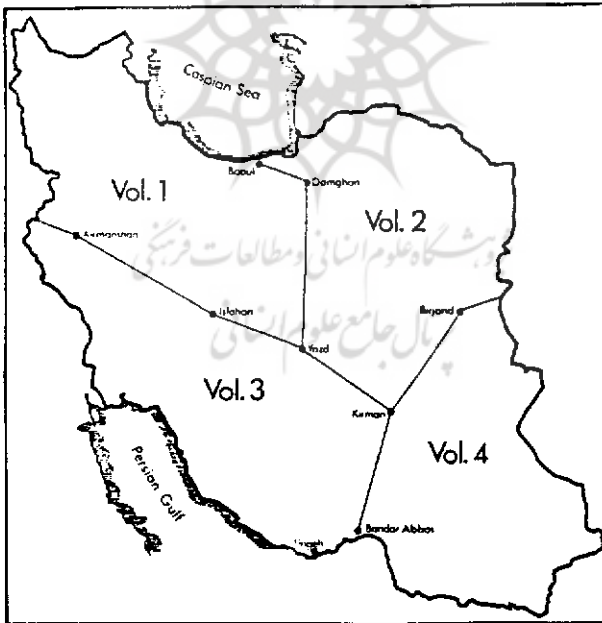
نقشه شماره ۶: حوزه نفوذ روس و انگلیس، جنگ بین الملل اول

### نتیجه

این مختصر، اهمیت استراتژیکی و نظامی و دفاعی فوق العاده بیرجند را یادآوری می‌کند. خروج انگلیس از هند و ایجاد کشورهای مستقل هند و پاکستان، و آرامش نسبتاً طولانی حاکم بر افغانستان تا کودتای داود، اغتشاشات عراق و جنگ تحمیلی و مسائل خلیج فارس باعث گشته است تا اهمیت مرزهای شرقی و کانونهای اصلی حافظ منافع ملی ما در شرق تا اندازه‌ای در درجه دوم اهمیت قرار گیرند.

اما در شرایط فعلی با تحولاتی که در کشورهای واقع در شرق کشور ما و آسیای میانه حادث شده است، با تحولاتی که در کل آسیا حادث خواهد شد، با نفوذ و هابیت مهاجم به کشورهای شرقی و پان ترکسیم لائیک به آسیای مرکزی، شرق و شمال شرق کشور از حساسیتهای امنیتی ویژه‌ای برخوردار شده است. امنیت ملی و منافع فراملی ما ایجاب می‌کند به شرق کشور و توسعه عمومی آن بیشتر توجه کنیم. برای توسعه و رشد یک منطقه احتیاج به یک سری کانونهای رشد و توسعه است. بیرجند به دلایلی که

برشمرده شد از اهمیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی عظیمی برخوردار است. ما نمی‌خواهیم بگوییم چون انگلیسها، روسها و آلمانها برای بیرجند اهمیت قائل بوده‌اند ما هم باید اهمیت قائل باشیم. استدلال تاریخی ما این چنین نیست. اگر ما تکیه بر روی کار آنها می‌کنیم به این دلیل است که اولاً کارشناسان نظامی و استراتژیکی کشورهای مذکور مسأله را فقط از دید کارشناسی بررسی کرده‌اند. آنها چون بومی نبوده‌اند از تعصبات و علائق منطقه‌ای و خانواده‌ای و طایفه‌ای و تیره‌ای دور بوده‌اند و فقط نظر کارشناسی ارائه داده‌اند. به علاوه در حال حاضر نیز در بسیاری موارد همین نظرات هنوز برای کارشناسان خارجی صائب است. وقتی هنوز برخی مؤسسات مطالعاتی و تحقیقاتی که با سرمایه‌های مادی بسیار کلان دربارہ ایران مطالعات ژئواستراتژیکی انجام می‌دهند همان منطقه‌بندی ایران عصر استعمار انگلیس بر هند را با همان تقسیمات متکی به منطقه نفوذ انگلیس در ایران ۱۹۰۷ مبنای کار خود قرار می‌دهند، ما را به این شک و امی دارد که از نظر مسائل فراملی و اطماع استعماری بیگانگان، مسائل حال با گذشته تفاوت چندانی نکرده است. فقط شگردها فرق کرده است. نقشه شماره ۷ منطقه‌بندی ایران را برای تهیه فرهنگ چهارجلدی که در دهه ۱۹۸۰ در اتریش چاپ شده



نقشه شماره ۷: تقسیم‌بندی قسمت جنوب شرقی ایران در فرهنگ استاف ۱۹۰۹ و

فرهنگ آدمک ۱۹۸۸ هر دو با حوزه نفوذ انگلیس طبق قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق می‌کند

است نشان می‌دهد<sup>۱۶</sup>. درست است که این فرهنگ بازآفرینی فرهنگ ژنرال استاف است اما چرا دوباره همان فرهنگ با همان تقسیمات بازآفرینی شود؟ منطقه جلد ۴ فرهنگ جدید همان منطقه نفوذ انگلیس در ۱۹۰۷ است و بیرجند، کرمان و بندرعباس سه شهر مهم مرزی این منطقه را تشکیل می‌دهد. چرا منطقه‌بندی یک فرهنگ چهارجلدی با حدود ۳۵۰۰ صفحه و صدها برگ نقشه و در آخر قرن بیست، همان است که در اوّل قرن بیست بوده است؟

باید دانست که برخی مسائل و پدیده‌ها در طول تاریخ می‌آیند و می‌روند ولی برخی پدیده‌ها ثابت و پابرجا هستند. ایدئولوژی‌های غیرالهی می‌آیند و می‌روند، ولی ایدئولوژی‌های الهی می‌آیند و می‌مانند. مکانها و پدیده‌های توریستی می‌آیند و می‌روند، اما اماکن مذهبی، زیارتگاهها، قبور ائمه(ع) می‌آیند و می‌مانند. حکام می‌آیند و می‌روند، اما پیامبران و بزرگان دین و مذهب و فرهنگ می‌آیند و می‌مانند. نقاط و مکانهایی هم در این کره ارض هستند که اهمیت استراتژیکی دارند، آنها همیشه می‌مانند ولی ممکن است برای مدتی فراموش شوند و در هاله ابهام بمانند اما دوباره اهمیت خود را باز می‌یابند. آسیای مرکزی میعادگاه تمدن و مبارزات قرون و اعصار است. در طول ۵۰ قرن، این منطقه به بخش وسیعی در آسیا و اروپا حمله برده است و حکومتها و ملتها را ایجاد کرده است، آریائیاها از اینجا آمده‌اند، هونها از اینجا به اروپا رفته‌اند. غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان از اینجا آمده‌اند. مغولها از اینجا به چین، ایران، هند و بخشی از اروپا دست اندازی کرده‌اند. تاتارها از اینجا به همه جا گسترش یافته‌اند. تیموریان از اینجا حکومتهای تیموری ایران و هند را بنیان گذاشته‌اند، این حکومتها همه آمدند و رفتند ولی موقعیت ژئوپولیتیکی و استراتژیکی آسیای مرکزی محفوظ است. ۱۵۰ سال تسلط روس و شوروی آسیای مرکزی را منزوی می‌کند اما آسیای مرکزی دوباره می‌آید، دوباره موقعیت بی‌نظیر جغرافیایی خود را اعمال می‌کند. این بار علاوه بر منابع آب، خاک و تولیدات کشاورزی منابع زیرزمینی عظیمی را هم پشوانه دارد. حکومتهای متعدد ایران آمده‌اند و رفته‌اند اما موقعیت استراتژیکی عظیم ایران پابرجاست. بیرجند در یک مقیاس کوچکتر همین نقش را دارد. خاندانهای متعدد برآن حکومت کرده‌اند، خاندان امیریه یا علم آمده‌اند و رفته‌اند. انگلیسها آمدند، هند را استعمار کردند، اما رفتند، طالبان می‌آیند، افغانستان و احتمالاً پاکستان و آسیای مرکزی را دچار تنشهای سیاسی می‌کنند اما می‌روند، ولی اسلام می‌ماند. بیرجند بارها فراموش می‌شود ولی موقعیت استراتژیکی دوباره نظرها را جلب می‌کند.

16- Ludwig W. Adamec. *Meshed and Northeastern Iran* 1981, Zahdan 1988, Tehran.. 1976, Akademische Druck. U. Verlagsanstalt Graz Austria.

بعضی شهرها می آیند و می روند ولی برخی شهرها اگر صدبار خراب شوند دوباره ساخته می شوند. موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی و ژئوپولیتیکی استثنایی آنها دلیل پایداری آنهاست. مثل اینکه خداوند در آنها نظر خاص داشته است. برخی مکانها هر چند مذهبی نیستند و مدفن بزرگان دینی در آنها نیست اما به دلایل عدیده پایدارند.

بیرجند از موقعیت استراتژیکی بی نظیری برخوردار است. این شهر در هر صورت پایدار است و می ماند. رونق این گونه شهرها مرهون خاندانها نیست، اهمیت خاندانها مرهون موقعیت آنهاست. با دید کارشناسی استان خراسان چه تقسیم شود چه نشود بیرجند دومین کانون مهم خراسان و یکی از چهار کانون اصلی شرق کشور است. توجه به توسعه این شهر و حوزه نفوذش مایه قوت امنیت ملی و فراملی ماست. خوشبختانه در شرایط فعلی بیرجند از جمیع عوامل لازم، مثل جمعیت، شبکه راهها، امکانات خدماتی (آموزشی، دانشگاهی، رفاهی، بانکی، نظامی، فرودگاهی ...) را برای احراز مرکزیت استان خراسان جنوبی داراست. هیچ شهری و شهرستانی جز مشهد واقع در خراسان از نظر موقعیت ممتاز استراتژیکی و نقش آن در امنیت ملی و فراملی با این شهر همسان نیست.

### منابع و مآخذ

- ۱- آبتی، محمدحسین، بهارستان، دانشگاه مشهد، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۲- احمدیان، محمدعلی، جغرافیای شهرستان بیرجند، آستان قدس رضوی ۱۳۷۴.
- ۳- سایکس، ژنرال سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیدانی، جلد دوم.
- ۴- سفرنامه خانیکوف گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه دکتر اقدس یغمایی، ابوالقاسم بیگناه، چاپ آستان قدس رضوی ۱۳۷۵.
- ۵- گرگور، مک، شرح سفری به ایالت خراسان، ترجمه نوکلی، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- ۶- لسترنج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۴.
- ۷- مجتهدزاده، پیروز، مرزهای شرقی، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۷۶.
- 8- Staff, General, Headquarters: **Gazetteer of Persia**, Simla 1910, 4 Volume.
- 9-Bast, Oliver, op. cit
- 10- Adamec, Ludwig W., **Meshed and Northeastern Iran** 1981, Zahdan 1988, Tehran.. 1976, Akademische Druck. U. Verlagsanstalt Graz Austria.